( 186 )

هو الابهی

ای ورقۀ طیبۀ زکیه الطاف حق چون دریای بی‌پایان موج بر سر عباد و اماء میزند و چون ابر بهمن گلزار و چمن قلوب منجذبانرا زنده و تر و تازه مینماید تو که موقن بآیاتی و مصدق بکلمات از آن دریا غرفه‌ئی بردار و از این فیض بقطره‌ئی کفایت منما و البهآء علیک و علی کل امة آمنت بالله (ع ع)